

عراق پس از جنگ!

علی جوادی

Ali_Javadi@yahoo.com

سرنوشت نظامی جنگ از پیش روشن بود. جنگ آمریکا علیه عراق با پیروزی سریع و قابل پیش بینی آمریکا به پایان رسید. ارتش درهم شکسته عراق قادر به مقابله با غول ماشین نظامی آمریکا نبود. دستگاه دیکتاتوری - نظامی صدام بسرعت در مقابل ارتش آمریکا در هم ریخت. ارتش آمریکا در عرض چند هفته ۱۵ هزار موشک "هوشمند"، ۷۵۰ موشک کروز، ۷۵۰۰ موشک، و نزدیک به ۱۵۰ بمب "خوشه‌ای" بر بیش از ۷۰۰۰ نقطه نظامی و غیرنظامی در عراق ریختند. هر شب نزدیک به ۱۰۰۰ بمب و موشک. و هر بمب حامل چند هزار پوند ماده انفجاری. در عرض چند هفته شبکه برق، آب و تلفن، کارخانجات تولیدی، بسیاری از پلها و جاده ها و زیرساختهای جامعه به یکباره منهدم شدند. جامعه و مدنیت در عراق در مقابل چشمان حیرت زده مردمی که به تماشای این جنگ ضد انسانی نشست بودند به یکباره دهها سال به عقب رانده شد. عراق در زیر بمباران تبدیل به یک مخروبه شد.

از ابعاد ضایعات و صدمات انسانی، اجتماعی و فرهنگی جنگ اطلاعات دقیقی در دست نیست. چه تعداد کشته شده‌اند؟ چه تعداد مجروح و زخمی و بی خانمان و روانی شده‌اند؟ هنوز بعضی از بمبهای خوشه‌ای منفجر نشده در خانه‌های مردم و محل بازی کودکان پیدا میشود. ارتش آمریکا خود را موظف به پاسخگویی نمیداند. اما پنتاگون و هیات حاکمه آمریکا از هم اکنون میدانند که به چند میلیارد دلار برای بازسازی آنچه که خود تخریب و نابود کرده‌اند نیازمندند. برآوردهای اولیه حاکی از آن است که بیش از ۲۰ میلیارد دلار هزینه راه اندازی شبکه برق و آب و پلها و تلفن و بنادر و مدارس و زیرساختهای جامعه عراق خواهد شد. در قرار داد اولیه‌ای که با شرکت بکتل که صاحبان آن از نزدیکان کاخ سفید هستند منعقد شده است گوشه‌ای از تخریب شالوده‌های جامعه را میتوان دید. خودشان میگویند که بیش از ۲۰۰۰ مدرسه تخریب شده است که باید تعمیر و راه اندازی شود.

سلاحهای کشتار دسته جمعی کجا هستند؟

تبلیغات رسمی هیات حاکمه آمریکا و رسانه های پنتاگونی، سی‌ان‌ان، فاکس و بی‌بی‌سی، شبانه روز در بوق کردند که این جنگ برای خلع سلاح دیکتاتوری صدام از سلاحهای کشتار دسته جمعی است. کالین

پاول در گزارش خود به شورای امنیت سازمان ملل "مدارک" متعددی دال بر وجود انواع سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی و تلاشهای اتمی در عراق ارائه کرد. دهها هزار لیتر انترکس، هزاران لیتر ماده سمی بوتولینیوم، صدها موشک حاوی کلاهکهای بمبهای شیمیایی، لابراتورهای متحرک بیولوژیک و کارخانجات زیر زمینی تولید سلاحهای اتمی. چند هفته از پایان جنگ میگذرد تاکنون بارها ادعا شده است که شواهدی دال بر وجود این سلاحها بدست آمده است. اما هر بار این ادعاها پس گرفته شده اند. اخیرا شبکه سی ان ان همه پرسشی ای را انجام داد که سئوالش این بود؟ "اگر قادر به کشف سلاحهای کشتار دسته جمعی نشویم، آیا این جنگ مشروع نبوده است؟! اما پنتاگون بهانه تازه تری ارائه داد. پنتاگون مدعی است که صدام سلاحهای شیمیایی کشتار دسته جمعی خود را به سوریه منتقل کرده است. شاید هم این سلاحها در مخفیگاه صدام هستند؟! تاکنون هیچگونه سلاح کشتار دسته جمعی یافت نشده است تا حداقل توجیه گر بهانه های جنگی آمریکا باشد. عراق هنوز خلع سلاح نشده است اما عباس کودک ۱۲ ساله خلع سلاح شد. عباس هر دو دست و هر دو والدین خود را در اثر بمباران از دست داد. این تبلیغات همان بودند که بودند: تبلیغات و بهانه های جنگی.

اما اگر کسی حتی این بهانه ها و تبلیغات دستگاه جنگی آمریکا را میپذیرفت بدون شک برای از میان بردن سلاحهای کشتار دسته جمعی باید از جایی شروع میکرد که زرادخانه ای حاوی ۴۰۰۰ کلاهک اتمی در انبار دارد. نیرویی که در جنگ دوم جهانی پس از شکست ژاپن ۳۰۰ هزار نفر را در هیروشیما و ناگازاکی در یک چشم بهم زدن سوزاند و خاکستر کرد.

دوران سیاهی و تباهی

دولت دیکتاتوری صدام و حزب بعث سقوط کرد. اما سقوط صدام به معنای پایان مصائب ناشی از جنگ نبود. آغازی دیگر بر مصائبی دیگر بود. پس از بمبارانهای وحشیانه غارت آنچه در روی زمین پا برجا مانده بود، آغاز شد. غارت هرچیزی، هر آنچه که قابل فروش و قابل معامله و قابل تبدیل به پول است. از موزه باستانی چندین میلیارد دلاری بغداد گرفته تا مبل و صندلی بیمارستانها. از تیر و تخته لوازم مدارس گرفته تا کامپیوتر و کتابهای دانشگاهها. از یخچال و کولر و شوفاژ هر اداره و ساختمان دولتی گرفته تا لوازم و ابزار آزمایشگاهها و ماشین آلات کارخانجات. همه چیز غارت شد. در این میان لوله های آزمایشگاهی حاوی انواع ویروس و از جمله ویروس هپاتیت سی نیز جزء اموال به یغما برده شده بودند؟! برخلاف ادعاهای سخنگویان پنتاگون این "جشن مردم" نبود. فاز پایانی تکمیل انهدام جامعه بود. محصول اجتناب ناپذیر فروپاشی و از هم پاشیدگی شیراز جامعه بود. نشانگر ورود جامعه عراق به دوران وحشت و توحش "نظم نوین جهانی" مورد نظر آمریکا است.

آنچه در عراق بوقوع پیوست سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین و جایگزینی آن با یک رژیم متعارف و یا یک حکومت نظامی نیست. دستگاه دیکتاتوری نظامی صدام حسین در هم شکست اما به همراه آن تمام ساختارهای جامعه عراق نیز در هم پاشیده شد. اقتصاد جامعه فرو پاشیده است. سیستم اداری و بانکی جامعه از کار افتاده است. کسی حقوقی دریافت نمیکند. بیمارستانها از کار افتاده اند. مدارس تعطیل شده اند. شبکه آب و برق و تلفن در پی بمبارانها صدمات جدی دیده اند. پلها تخریب شده اند. خدمات اجتماعی از کار افتاده اند. امنیت مردم از دست رفته است. دستجات و باندهای سیاه و مسلح در گوشه و کنار حاکم بر امور زندگی روزمره شده اند. گروههای قومی و قبیله ای و شیوخ مرتجع و اسلامی در هر شهر و منطقه ای مدعی سهم خواهی از قدرت و حکمفرایی هستند. نشانه هایی از شکل گیری جنگ قومی و قبیله ای، جنگ کرد و عرب، پاکسازی قومی، جنگ فرقه های مختلف اسلامی دست ساز، بچشم میخورد. دستجات کثیف اسلامی در ابعاد وسیع به حرکت افتاده اند. ته مانده ترین لجن های جامعه، مرتجع ترین نیروها صحنه دار اوضاع شده اند. دوربینهای تلویزیون روسای قبایل، شیوخ و اسلاميون مرتجع و دست نشانندگان پنتاگون را نشان میدهد که خود را "شهردار" و "معتمد" و "رهبر" بخشی از مردم قلمداد میکنند و برای تباهی آینده مردم نقشه میکشند. به این مجموعه باید حضور ۱۰۰ هزار نیروی مسلح آمریکا و انگلیس که در مقام "لشکر فاتح" به هیچ چیز پاسخگو نیستند، با کوچکترین صدایی به هر طرف و به طرف مردم شلیک میکنند، را نیز فزود. جامعه عراق وار دوره سیاهی شده است که مشخصه آن خانخانی نظامی، جنگهای ایلخانی، کشمکش قومی و مذهبی و جدال دستجات مافیایی است که بر سر و کله یکدیگر و مردم میزنند و همزمان جامعه را به ورطه نابودی سوق میدهند. ارتش آمریکا و انگلیس نیز برای "حفظ و کنترل اوضاع" از یکطرف بدنبال استقرار حکومت نظامی خود هستند و از طرف دیگر دست به دامان همین نیروهای مرتجع برای اداره امور شده اند. رویای این جریانات کابوس واقعی مردم است.

راه حل چیست؟

شیرازه جامعه عراق از هم پاشیده است. یک کابوس واقعی در مقابل چشمان مردم بوقوع پیوسته است. مردم مستاصل و درمانده اند. حرمت و ارزش جان انسان بی مقدار شده است. انتظار دیگری هم نمیشد داشت. تصویر و افق زندگی مردم در زیر توپ و خمپاره و موشک و غارت و دربدری چیز دیگری جز این نمیتوانست باشد. داشتن یک سیاست و نقشه عمل روشن برای پایان دادن هر چه سریعتر به این سناریو و وضعیت سیاه باید عنصر اصلی سیاست هر جریان انسانی و آزادیخواه باشد. اما چگونه میتوان به این وضعیت پایان داد؟ چگونه میتوان جلوی مصائب بیشمار این مردم محروم را گرفت؟ چگونه میتوان مانع

شکل گیری یک حکومت تحمیلی و ناخواسته از نوع حکومت پنتاگونی در عراق شد؟ چطور میتوان از شکل گیری یک رژیم مرتجع اسلامی در گوشه‌ای از عراق جلوگیری کرد؟ چگونه میتوان از تقسیم جامعه به قبایل و دسته های متخاصم قومی و فرقه های مذهبی و یوگسلاویزه شدن جامعه اجتناب کرد؟

برای پایان بخشیدن به این سناریو باید مجموعه عوامل شکل دهنده و دخیل در آن را به کناری زد و حاشیه‌ای کرد. از ارتش اشغالگر آمریکا و انگلیس گرفته تا دستجاتی که در مزدوری در کنار ارتش آمریکا رژه رفتند تا جریانات اسلامیستی و شیوخ و باندهای سیاه قومی و قبیله‌ای تا بقایای دار و دسته‌های ناسیونالیستی-بعثی. باید مردم را علیه این شرایط بسیج کرد. باید با قدرت مردم این بساط را جارو کرد. اما تنها نیرویی که پرچم آزادیخواهی و انسانیت و تمدن را بلند کرده باشد قادر به تحقق چنین شرایطی در عراق خواهد بود. تنها ایجاد وضعیتی مبتنی بر وسیعترین حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی و گسترده ترین فرجه ها برای دخالت آزادانه مردم در صحنه سیاسی میتواند جامعه را از ورطه سقوط همه جانبه بیرون کشیده و از هم گسیختگی کامل شیرازه جامعه مدنی بطور پایه‌ای جلوگیری کند. این مجموعه سیاه را تنها میتوان با یک سناریوی سفید و انسانی، با شرایطی که رفاه مردم، آزادی مردم، برابری و حرمت مردم تضمین شده است، پایان بخشید. از اینرو مبارزه‌ای همه جانبه با افکار و آراء ارتجاعی و عقب مانده و اسلامی و قوم پرست و مقابله با فرقه های فالانژ ناسیونالیست و آوانتوریست و اسلامی که علاوه بر ارتش آمریکا و انگلیس موجب تداوم چنین شرایطی هستند شرط سیاسی پایان بخشیدن به چنین وضعیتی است. در غیر اینصورت این شرایط سیاه به درجات متفاوت برای دوره‌ای طولانی زندگی مردم عراق را در چنگال خود خواهد فشرد و زندگی نسلی از مردم را تباه خواهد کرد. بدین منظور نیروهای نظامی ارتش آمریکا و انگلیس باید از عراق خارج شوند. آمریکا و انگلیس مسبب و عامل اصلی این وضعیت دهشتناک مردم هستند. نیرویی که مسبب کشتار چند هزار انسان بیگناه غیر نظامی و تخریب جامعه مدنی و ایجاد این شرایط سیاه است، نمیتواند خود عاملی برای عبور و پایان دادن به این شرایط باشد. هرگونه حضور نظامی و یا حکومت نظامی آمریکا تنها باعث تشدید انواع کشمکش و تخاصمات خانمانسوز در عراق خواهد شد. به جای این نیروها باید نیروهای سازمان ملل موظف شوند تا مسئولیت موقت شیرازه امور را در دست گیرند. سازمان ملل باید امنیت مردم را تضمین کند. نیازمندیهای اولیه جامعه را راه اندازی کند. علاوه بر این سازمان ملل باید موظف شود تا شرایط سیاسی‌ای را تامین کند تا مردم بتوانند در فضایی آزاد با تضمین آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و با تضمین آزادی فعالیت احزاب و تشکلات سیاسی و اجتماعی و به دور از هر گونه ترس ناشی از حضور نیروهای مسلح نظامی، بدور از هر گونه ارعاب نیروهای اسلامی و روسای مرتجع قبایل و باندهای سیاه، نظام حکومتی مطلوب خود و ارگانهای حاکمیت مورد نظر خود را انتخاب و مستقر

کنند. هرگونه تلاش برای حقنه کردن یک حکومت نظامی و یا یک حکومت دست نشانده مطلوب پنتاگون، هرگونه بند و بست با نیروهای اسلامی و قومی و عشیرتی برای حقنه کردن حکومتی مرتجع بر مردم تنها به معنی تداوم کشمکش و درگیریهای موجود است.

اما تنها تضمین واقعی و قابل اتکاء بمنظور پایان بخشیدن به این وضعیت دهشتناک پراتیک و عملکرد جنبشی است که پرچم آزادی و رفاه و برابری و سکولاریسم را در مقابل اسلام‌گرایی، قومی‌گری و انواع و اقسام ارتجاع در عراق برافراشته است. حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، جامع‌ترین و کامل‌ترین حکومتی است که متضمن رفاه و سعادت مردم خواهد بود. امروز تنها امید مردم عراق برای یک زندگی بهتر و دستیابی به آزادی و برابری و سکولاریسم و حقوق مدنی و انسانی حزب کمونیست کارگری عراق است. جنبش مردم متمدن جهان که در ابعاد میلیونی در مقابل اهداف میلیتاریستی آمریکا ایستاد باید به طور همه جانبه به دفاع از این نیرو پردازد. این جریان تنها امید برای خلاصی از وضعیت تاریکی است که جامعه و مردم عراق دچار آن شده اند. زنده باد حزب کمونیست کارگری عراق!

۲۲ آوریل ۲۰۰۳